فصلنامهٔ مطالعات ایران‌شناسی
سال نهم، شمارهٔ ۴، شمارهٔ پیاپی۲۹ زمستان ۱۴۰۴
Quarterly of - Iranology Studies
Volume 9, Issue 4, Serial number 29, Winter 2026
Doi:10.22034/is.2026.2076181.1088

نامه اردوان سوم اشکانی به شهر شوش، سندی از تعامل و چگونگی اداره شهرهای یونانی‌نشین در دورهٔ اشکانیان

حسن اسماعیلی[۱]

چکیده

شوش در دورهٔ سلوکی به یکی از مهم‌ترین شهرهای هلنیستی جنوب غربی ایران تبدیل شد و با استقرار مهاجران یونانی و مقدونی و شکل‌گیری نهادهای سیاسی و اداری مبتنی بر الگوی «پولیس»، نوعی خودگردانی شهری را تجربه کرد. با وجود انتقال قدرت به اشکانیان، شواهد کتیبه‌ای و باستان‌شناختی نشان می‌دهد که بخشی از ساختارهای سیاسی، اداری و فرهنگی هلنیستی شوش در دورهٔ اشکانی نیز استمرار یافت. یکی از مهم‌ترین اسناد برای بررسی این تداوم و در عین حال چگونگی رابطهٔ حکومت اشکانی با شهرهای یونانی‌نشین، نامه اردوان سوم به شهر شوش در اوایل سدهٔ نخست میلادی است. این پژوهش با رویکردی تاریخی ــ تحلیلی و با تکیه بر متن نامه اردوان سوم، کتیبه‌ها، شواهد سکه‌شناختی و منابع تاریخی و پژوهش‌های جدید، به بررسی ساختار سیاسی و اداری شوش و مناسبات میان حکومت اشکانی و نهادهای شهری آن می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شوش در این دوره همچنان از برخی نهادها و رویه‌های سیاسی ــ اداری برگرفته از سنت پولیس، از جمله شورا، مجمع شهری و سازوکار انتخاب مقامات، برخوردار بود و زبان و فرهنگ یونانی نیز همچنان در عرصهٔ عمومی و اداری شهر حضور داشت. با این حال، نامهٔ اردوان سوم نشان‌دهندهٔ افزایش مداخله مستقیم شاه اشکانی در امور داخلی شهر و محدود شدن دامنهٔ استقلال نهادهای شهری است. تأیید انتخاب مجدد هستیائوس، علی‌رغم مغایرت آن با یکی از مقررات شهری، بیانگر آن است که شاه اشکانی می‌توانست در موارد مورد اختلاف میان نهادهای شهری، مداخله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۸/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۲۵

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.
Hasan.esmaeili@pnu.ac.ir

و تصمیم نهایی اتخاذ کند. ازاین‌رو، شوش در دورهٔ اردوان سوم نه شهری کاملاً مستقل و خودگردان و نه شهری کاملاً تابع دستگاه اداری مرکزی بود؛ بلکه نمونه‌ای از تداوم نهادهای هلنیستی در چارچوب اقتدار فزایندهٔ سلطنت اشکانی به شمار می‌رفت. نامهٔ اردوان سوم از این منظر، سندی مهم برای شناخت الگوی تعامل، نظارت و اعمال اقتدار حکومت اشکانی بر شهرهای یونانی‌نشین ایران است.

واژه‌های کلیدی: شوش، سلوکیه ائولائوس، اردوان سوم، اشکانیان، پولیس، شهرهای یونانی‌نشین، هلنیسم، خودگردانی شهری.

مقدمه

شوش یکی از مهم‌ترین کانون‌های تمدنی ایران با پیشینه‌ای چندهزارساله است و براساس یافته‌های باستان‌شناختی و متون تاریخی، در دوره‌های مختلف جایگاهی ویژه برای حکومت‌های منطقه داشته است. منطقهٔ شوش از نخستین کانون‌های استقرار شهری در جنوب غربی فلات ایران به شمار می‌آید. مجاورت آن با بین‌النهرین، اهمیت سیاسی، اقتصادی و ارتباطی این ناحیه را برای حکومت‌های مستقر در بین‌النهرین و فلات ایران افزایش داده بود. این جایگاه از دورهٔ عیلامیان شکل گرفت و در دوره‌های بعد نیز بر اهمیت آن افزوده شد

اسناد و کاوش‌های باستان‌شناختی نشان می‌دهند که شوش در مقاطعی از تاریخ دستخوش دگرگونی‌های چشمگیری شده است. یکی از این مقاطع، لشکرکشی اسکندر به شرق و تصرف ایران بود که در پی آن شوش نیز اشغال شد. از آن زمان، به‌ویژه پس از تشکیل حکومت سلوکیان در ایران، شمار زیادی از یونانیان و مقدونیان به مناطق مختلف ایران، از جمله شوش، مهاجرت کردند و در این ناحیه ساکن شدند. همراه با این مهاجرت و استقرار، فرهنگ و تمدن یونانی نیز گسترش یافت. یکی از پیامدهای مهم این فرایند، تغییر در ساختار اداری و اجرایی برخی شهرها بود. در قلمرو سلوکیان، شهرهایی با نظام «پولیس»، یعنی شهرهای خودگردان یا نیمه‌مستقل، تأسیس شدند و برخی شهرهای پیشین نیز متناسب با الگوی جدید تغییر ساختار و ماهیت دادند. شوش از جملهٔ این شهرها بود و نام آن به «سلوکیه ائولایوس»[1] تغییر یافت. این امر صرفاً تغییر نام نبود،

1. Seleucia Eolaios

بلکـه سـاختار شـهر نیـز دگرگـون شـد و شـوش ویژگی‌هـای یـک پولیـس را بـه دسـت آورد

متـون کهـن، سنگ‌نوشـته‌ها و تـا انـدازه‌ای سـکه‌ها تصویـری متفـاوت و تکمیـلی از شـوش بـه دسـت می‌دهنـد. سنگ‌نوشـته‌های یافت‌شـده در شـوش و نمونه‌هـای به‌دسـت‌آمده از محوطه‌هـای باسـتانی دیگـر، داده‌هـای بیشـتری دربـارۀ سـاختار و جامعـۀ شـهر در اختیـار پژوهشـگران می‌گذارنـد. قدیمی‌تریـن ایـن آثـار بـه قـرن سـوم پیـش از میلاد بازمی‌گردنـد؛ بخـش بـزرگی از آن‌هـا متعلـق بـه قـرن دوم پیـش از میلاد اسـت و متـون متأخرتـرِ یونـانی تـا قـرن اول میلادی، یعـنی دورۀ اشـکانی، ادامـه دارنـد. در ایـن دوره، شـهر همچنـان تـا حـد زیـادی براسـاس الگـوی اداری سـلوکی اداره می‌شـد. بـه نظـر می‌رسـد دسـت‌کم از اواخـر قـرن سـوم پیـش از میلاد، و شـاید پیـش از آن، شـوش بـا نـام «سـلوکیه ائولایـوس» یـک پولیـس یـا شـهر یونـانی بـه شـمار می‌رفتـه اسـت

یـکی از مهم‌تریـن اسـناد بـرای بـررسی تاریـخ اشـکانیان، به‌ویـژه وضعیـت شـهرهای یونانی‌نشیـن در ایـن دوره، نامـۀ اردوان سـوم، پادشـاه اشـکانی، خطـاب بـه اهـالی شـوش اسـت. ایـن نامـه نمونـه‌ای از مکاتبـات پادشـاه اشـکانی بـا یـکی از شـهرهای پولیـس بـه شـمار می‌آیـد. متـن نامـه کـه در خرابه‌هـای شـوش کشـف شـده، بـه زبـان یونـانی بـر قطعـه‌ای از مرمـر خاکسـتری حـک شـده و اکنـون در مـوزۀ لـوور پاریـس نگهـداری می‌شـود (پیگولوسـکایا، ۱۳۷۲: ۱۴۰). ایـن سنگ‌نوشـته پایـۀ تندیـس مرمـر بـزرگی بـه نـام «هسـتیائوس»[1] را تشـکیل می‌داده کـه پـدرش، آسیـوس[2]، در سـال‌های ۲۵ و ۲۶ میلادی، بـه مناسـبت انتخـاب پسـرش بـه مقـام خزانـه‌داری و ریاسـت هیئـت دادرسـان شـهر شـوش و بـا تأییـد اردوان سـوم، برپـا کـرده اسـت (شـهمردان، ۱۳۵۲: ۱۷)

نامـۀ اردوان از آن رو اهمیـت دارد کـه اطلاعـاتی دربـارۀ سـاختار سیـاسی و اداری شـوش پـس از پذیـرش الگـوی پولیـسی، حضـور یونانیـان در شـهر و نحـوۀ نگـرش و برخـورد اشـکانیان بـا ایـن جامعـه ارائـه می‌کنـد. حضـور یونانیـان در شـهرهای قلمـرو اشـکانی و نـوع مواجهـۀ حکومـت بـا آنـان، همچنیـن فرهنـگ حاکـم بـر ایـن شـهرها، از مسـائل مهـم در مطالعـۀ تاریـخ اشـکانیان اسـت. بـر اسـاس محتـوای نامـه، بـه نظـر می‌رسـد از دورۀ اردوان سـوم، سیاسـت اشـکانیان در برابـر یونانیـان و شـهرهای یونانی‌نشیـن به‌تدریـج تغییـر کـرد و شـاهان اشـکانی بیـش از گذشـته

1. Hestiaeus
2. Asius

در امـور داخـلی شـهرهای خودگـردان، از جملـه شـوش، مداخلـه کردنـد؛ امـری کـه بـه کاهـش تدریـجی نفـوذ عناصـر یونـانی انجامیـد. مقالـۀ حاضـر بـا تکیـه بـر متـون یونـانی، یافتههـای باستانشـناختی و پژوهشهـای جدیـد، محتـوای ایـن نامـه و جایـگاه شـوش در دورۀ اشـکانی را بـررسی میکنـد

پیشینه پژوهش

در بـررسی منابـع و پیشینـۀ پژوهـش، یافتههـای باستانشـناختی و منابـع مربـوط بـه دورۀ اشـکانی اهمیـت ویـژهای دارنـد. بـا ایـن حـال، اطلاعـات باستانشـناختی دربـارۀ لایههـای سـلوکی و اشـکانی شـوش نسـبتاً محـدود اسـت و بـرخی پژوهشـگران ایـن کمبـود را نـاشی از بیتوجـهی پیشیـن بـه لایههـای اشـکانی- ساسـانی دانسـتهاند. در عیـن حـال، گزارشهـای کاوشـگران فرانسـوی حـاوی مـدارک قابلتوجـهی دربـارۀ شـوش در دورۀ اشـکانی اسـت. شـوش در دورۀ سـلوکی نیـز از اهمیـت ویـژهای برخـوردار بـود و ایـن زمـان را میتـوان یـکی از دورههـای اوج نفـوذ فرهنـگ یونانی در شـهر دانسـت. حفاریهـای انجامشـده و سنگنوشـتههای بهدسـتآمده از شـوش و محوطههـای پیرامـون آن، اطلاعـات مهـمی دربـارۀ ایـن فراینـد در اختیـار میگذارنـد؛ یـکی از مهمتریـن ایـن آثـار، سنگنوشـتۀ یونـانی اردوان سـوم، مربـوط بـه سـال ۲۲ میلادی اسـت

در منابـع کلاسیـک، نویسـندگانی ماننـد اسـترابو، پلیـنی و ایزیـدور خاراکـسی مطالـبی، هرچنـد محـدود، دربـارۀ شـوش در دورههـای سـلوکی و اشـکانی ارائـه کردهانـد. در پژوهشهـای جدیـد نیـز آثـاری از پیگولوسـکایا، دیاکونـوف، نیلسـون دبـواز و کالـج بـه ایـن موضـوع پرداختهانـد. از مقالههـای مرتبـط میتـوان بـه «نامـۀ اردوان سـوم بـه شـهر شـوش» نوشـتۀ رشیـد شـهمردان و مقالـۀ انگـر دربـارۀ نامـۀ اردوان سـوم اشـاره کـرد کـه متـن و محتـوای ایـن سـند را تحلیـل کردهانـد. مقالـۀ رابـرت ونـک دربـارۀ الیمیـان، اشـکانیان و تکامـل امپراتوریهـا در جنـوب غـربی ایـران نیـز بـا تکیـه بـر دادههـای باستانشـناختی و سکهشـناختی، وضعیـت اسـتقرار، رشـد و توسـعۀ شـوش در دورههـای سـلوکی و اشـکانی را بـررسی میکنـد. همچنیـن پژوهـش «شـوش و جنـوب غـربی ایـران» زیـر نظـر ژان پـرو و ژنویـو دلفـوس، مقالـۀ رمی بوشـارلا دربـارۀ شـوش و شوشـان در دورۀ امپراتوریهـای بـزرگ و مدخـل «شـوش در دورۀ هلنیسـتی و اشـکانی» نوشـتۀ لوریـان مارتینـز در دانشـنامۀ ایرانیـکا، اطلاعـات ارزشـمندی دربـارۀ ایـن موضـوع در اختیـار میگذارنـد

شوش در دورهٔ سلوکیان

شـوش کـه از دورهٔ هخامنشیـان، به‌عنـوان یـکی از پایتخت‌هـای آنـان، دوره‌ای از رشـد و شـکوفایی سیـاسی و اقتصـادی را تجربـه کـرده بـود، در عصـر سـلوکیان و بـا شـکل‌گیری «سـلوکیه ائولایـوس» بـار دیگـر رونـق یافـت. بـررسی بخـش بـزرگی از دشـت شـوش، گسـترهٔ ناحیـهٔ مسـکونی هخامنـشی را حـدود ۱۴۱ هکتـار نشـان می‌دهـد. جمعیـت کلی شـوش در دورهٔ سـلوکی نیـز در بـرخی برآوردهـا حـدود نیم‌میلیـون نفـر دانسـته شـده اسـت .(Aperghis, ۲۰۰۲: ۳۸)

اسـترابو در «جغرافیـا» (کتـاب ۱۵، بنـد ۴) ، هنـگام توصیـف شـوش، آن را شـهری مهـم میـان بابـل و پـارس معـرفی می‌کنـد و قلمـرو آن را تـا دریـا، یعـنی خلیـج فـارس، امتـداد می‌دهـد. بـه روایـت او، خـط سـاحلی ایـن ناحیـه حـدود ۳۰۰۰ اسـتادیا امتـداد داشـت و از سـاحل دریـای پـارس تـا خـروجی رود دجلـه کشیـده می‌شـد. رود خواسـپس نیـز از سـرزمین شـوش می‌گذشـت و بـه سـوی خـط سـاحلی جریـان داشـت (Strabo, ۱۹۲۹: ۱۵۷, ۱۵۹)

شـهرهایی کـه اسـکندر مقـدونی و سـپس سـلوکیان ایجـاد یـا بازسـازمان‌دهی کردنـد، در تثبیت حضـور سیـاسی و نظـامی یونانیـان و مقدونیـان در شـرق اهمیـت زیـادی داشـتند. لشـکرکشی و اسـتقرار آنـان نیازمنـد ایجـاد پایگاه‌هـایی بـود کـه بـا شیـوهٔ زنـدگی مهاجـران سـازگار باشـد. ازایـن‌رو، بـا افزایـش جمعیـت یونـانی و مقـدونی، شـماری از شـهرهای بین‌النهریـن و کرانـهٔ دجلـه بـه صـورت پولیـس سـازمان یافتنـد. شـوش نیـز در همیـن چارچـوب دگرگـون شـد؛ امـری کـه سنگ‌نوشـته‌ها و دیگـر منابـع تاریـخی آن را تأییـد می‌کننـد (پیگولوسـکایا، ۱۳۷۲: ۳۴)

در دورهٔ سـلوکی، شـوش علاوه بـر جایـگاه تجـاری، یـک مرکـز اداری مهـم بـود و بـه دسـتور پادشـاهان سـلوکی در آن سـکه ضـرب می‌شـد. اگرچـه از بناهـای ایـن دوره آثـار انـدکی بـاقی مانـده اسـت، سنگ‌نوشـته‌ها از نهادهـای یونـانی، از جملـه ورزشـگاه‌های سـرپوشیده، یـاد می‌کننـد و نشـان می‌دهنـد کـه ایـزدان یونـانی ماننـد آرتمیـس و آپولـون در شـهر پرسـتش می‌شـدند. شـواهد باستان‌شـناختی نیـز از حضـور طبقـهٔ اشـرافی مقـدونی در بخش‌هـایی از شـهر حکایـت دارنـد؛ بخش‌هـایی کـه میـان سـال‌های ۱۹۴۶ تـا ۱۹۶۷ زیـر نظـر رومـن گیرشـمن، باستان‌شـناس فرانسـوی، کاوش شـد (جـورج برانـد، ۱۳۸۸: ۱۸۳– ۱۸۴)

متـون کهـن، سنگ‌نوشـته‌ها و سـکه‌ها اطلاعـات مکمـلی دربـارهٔ شـوش فراهـم می‌کننـد. هرچنـد متـون روایی دربـارهٔ خـود شـهر محدودنـد، سنگ‌نوشـته‌های یافت‌شـده در شـوش و

محوطه‌های پیرامون آن داده‌های بیشتری در اختیار می‌گذارند. قدیمی‌ترین این اسناد به قرن سوم پیش از میلاد بازمی‌گردند، شمار زیادی از آن‌ها مربوط به قرن دوم پیش از میلا هستند و نمونه‌های متأخر یونانی تا قرن اول میلادی، یعنی دورهٔ اشکانی، ادامه می‌یابند. شواهد نشان می‌دهند که شهر در این دوره همچنان تا حدی بر اساس الگوی اداری سلوکی اداره می‌شد و دست‌کم از اواخر قرن سوم پیش از میلاد با نام «سلوکیه ائولایوس» یک پولیس به شمار می‌رفت. در مراحل نخست، همهٔ تشکیلات اداری شهر الزاماً از نظر ترکیب جمعیتی یونانی نبود، اما شمار قابل‌توجهی از مسئولان، صاحب‌منصبان سلطنتی، کارکنان دولتی، سربازان، ساکنان موقت و خانواده‌های آنان نام یا هویت یونانی داشتند. چنین جمعیتی احتمالاً از ساختمان‌های اداری و نظامی، مجمع عمومی و پرستشگاه‌های ویژهٔ خود برخوردار بوده است (بوشارلا، ۱۳۷۶: ۲۲۵). شوش در دورهٔ سلوکی، همچون دورهٔ هخامنشی، اهمیت خود را حفظ کرد و پس از نام‌گذاری به سلوکیه در کنار رود اولائوس، بسیاری از ویژگی‌های یک شهر هلنیستی، از جمله دادگاه‌ها و ورزشگاه‌ها را پذیرفت. کاوش‌های فرانسویان نیز نشان می‌دهند که شوش یکی از ضرابخانه‌های مهم سلوکیان بوده و کتیبه‌های یونانی از تداوم عناصر هلنیستی در شهر تا سده‌های بعد حکایت دارند (فرای، ۱۳۸۶: ۲۵۴)

در شوش و عیلام، اسناد باستان‌شناختی و کتیبه‌شناختی متعددی دربارهٔ حضور سلوکیان به دست آمده است. سنگ‌نوشته‌های یونانی ــ مقدونی شوش، افزون بر شواهد مربوط به کیش فرمانروایان، از وجود مقر و پادگان نظامی سلوکی، مأموران مالیاتی و ورزشگاه در این شهر حکایت دارند. امروزه تداوم حضور یونانیان و بقای زبان، خط و برخی نهادهای یونانی در شوش تا دورهٔ اشکانی از سوی بسیاری از پژوهشگران پذیرفته شده است (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۱۴۷)

شوش در دورهٔ اشکانیان

اشکانیان از زمان مهرداد اول مرزهای خود را به سوی غرب گسترش دادند و تصرف بین‌النهرین و جنوب غربی ایران برای آنان اهمیت فراوانی داشت. در همین چارچوب، شهرهای یونانی‌نشین بین‌النهرین، از جمله سلوکیه، به تصرف آنان درآمدند و به نظر

می‌رسد شوش نیز در مرحله‌ای بعد در حوزهٔ نفوذ مهرداد قرار گرفت. همان‌گونه که گفته شد، شوش در دورهٔ سلوکی از کانون‌های مهم شهری با جمعیت قابل‌توجه یونانی و ساختاری نزدیک به شهرهای خودگردان بود و به مرتبهٔ پولیس ارتقا یافته بود. ازاین‌رو، تصرف و کنترل آن برای اشکانیان اهمیت سیاسی و اقتصادی داشت. اسناد و شواهد موجود نیز از تداوم رونق و شکوفایی شوش در دورهٔ اشکانی حکایت دارند

در برخی منابع آمده است که شوش، با وجود اهمیت سیاسی و اقتصادی برای اشکانیان، در مقاطعی در برابر حاکمیت آنان مقاومت می‌کرد. هنگامی که مهرداد اول علیه دمتریوس سلوکی لشکر کشید، دمتریوس برای بازسازی موقعیت از دست‌رفتهٔ خود از شوش، باکتریا و مناطق دیگر یاری خواست. بااین‌حال، مهرداد توانست شوش و پس‌کرانه‌های آن را اندکی پیش از سال ۱۴۰ پیش از میلاد تصرف کند (Wenke, ۱۹۸۱: ۳۰۶).

شواهد باستان‌شناختی و سکه‌شناختی جنوب غربی ایران و نواحی پیرامون آن، برخی تغییرات فرهنگی پیچیده در دورهٔ اشکانی را آشکار کرده‌اند. هرچند داده‌ها محدودند، این شواهد نشان می‌دهند که الگوهای استقرار، ساختار اقتصادی و نظام اداری منطقه در این دوره دستخوش دگرگونی‌های مهمی شده بود (Wenke, ۱۹۸۱: ۳۰۴)

بررسی سکه‌های یافت‌شده در شوش در دوره‌های سلوکی و اشکانی از گسترش تجارت با سلوکیهٔ کنار دجله و شهرهای دیگر حکایت دارد. در اواخر دورهٔ سلوکی، شوش و نواحی پیرامون آن احتمالاً از نوعی استقلال سیاسی نسبی برخوردار بودند؛ بااین‌حال، هنگامی که مهرداد اول به فرمانروای سلوکی حمله کرد (۱۳۹ پیش از میلاد)، شوش در کنار نیروهای سلوکی در برابر اشکانیان قرار گرفت (هول، ۱۳۸۱: ۵۰۵– ۵۰۶)

در دورهٔ امپراتوری اشکانی، ساختار حکومتی و اجرایی شوش همچنان شباهت‌هایی با شهرهای یونانی دورهٔ کلاسیک داشت و بخش‌هایی از فرهنگ شهر نیز ماهیتی یونانی خود را حفظ کرده بود (Boardman & Griffin, ۱۹۷۱: ۳۰۱)

نامهٔ اردوان سوم اشکانی به شوش

یکی از اسنادی که وضعیت شهرهای پولیس در دورهٔ اشکانی را روشن می‌کند، نامهٔ اردوان سوم، پادشاه اشکانی، خطاب به اهالی شوش است. این نامه نمونه‌ای از مکاتبات رسمی یک پادشاه با یکی از شهرهای پولیس به شمار می‌آید. متن آن در خرابه‌های شوش

کشـف شـد و فرانتـس کومـون در سـال ۱۹۳۲ آن را منتشـر کـرد. نامـه بـه زبـان یونـانی بـر قطعـه‌ای از مرمـر خاکسـتری حـک شـده و اکنـون در مـوزهٔ لـوور پاریـس نگهـداری می‌شـود (پیگولوسـکایا، ۱۳۷۲: ۱۴۰)

ایـن نامـه زیـر دیـوار سـاختمانی ساسـانی در شـوش یافـت شـد. متـن بـر قطعه‌سـنگی مستطیل‌شـکل بـا طـول ۶۵، ارتفـاع ۲۲ و ضخامـت ۱۶ سـانتی‌متر حـک شـده و از طولانی‌تریـن سنگ‌نوشـته‌های یونـانی شناخته‌شـده در ایـران بـه شـمار می‌رود. کتیبـه بـا خـطی منظـم و همـراه بـا امضـای حـکاک اجـرا شـده اسـت. ایـن سنگ‌نوشـته پایـهٔ تندیـس مرمـر بـزرگی بـه نـام «هسـتیائوس» را تشـکیل می‌داده کـه پـدرش در سـال‌های ۲۵ و ۲۶ میلادی، بـه مناسـبت انتخـاب پسـرش بـه مقـام خزانـه‌داری و ریاسـت هیئـت دادرسـان شـهر شـوش و بـا تأییـد اردوان سـوم، برپـا کـرده اسـت (شـهمردان، ۱۳۵۲: ۱۷)

ایـن سنگ‌نوشـته از بخش‌هـای زیـر تشـکیل شـده اسـت: الـف: شـرح و تعییـن سـالی کـه نامـهٔ اردوان دریافـت شـد (سـطر اول)؛ ب: متـن و محتـوای نامـه (سـطرهای ۲ تـا ۱۵)؛ ج: توضیـح دربـارهٔ انتصـاب بـه منصـب و سـال وقـوع رویدادهـا (سـطرهای ۱۶ و ۱۷). در سـمت راسـت کتیبـه، در سـطرهای ۱۶ تـا ۱۸، آمـده اسـت کـه لئونیـداس[1]، پسـر آرتمـون[2] و شـهروند سـلوکیه ائولایـوس، حـکاکی بـوده کـه ایـن سنگ‌نوشـته را اجـرا کـرده اسـت (Engers, ۱۹۳۸: ۱۳۷)

متن نامه و تجزیه و تحلیل محتوای آن

«دریافـت در سـال ۲۶۸ اشـکانی، برابـر بـا سـال ۳۳۳ باسـتانی (سـلوکی = ۲۲-۲۱ میلادی) نظـر بـه اینکـه هسـتیائوس، همشـهری شـما و یـکی از نخسـتین و ارجمندتریـن دوسـتان و از افـراد گارد اسـت و در سـال ۳۲۹ باسـتانی (۱۸-۱۷ میلادی) امـور خزانـه‌داری را به‌خـوبی، درسـتی و عدالـت و بـدون کاسـتی انجـام داده و هزینه‌هـای شـخصی را بـر شـهر تحمیـل نکـرده اسـت؛ همچنیـن هنـگام اشـتغال بـه امـور هیئـت دادرسـان شـهر و ضـرورت اعـزام سـفیر بـه خـارج، دو بـار زیـان وارد بـر منافـع شـخصی خـود را نادیـده گرفتـه و بـا ترجیـح منافـع شـهر، رنـج سـفر و هزینه‌هـای شـخصی را پذیرفتـه و نخسـتین و دومیـن سـفارت را بـه

1. Leonidas
2. Artemon

بهتریـن وجـه بـه سـود زادگاه خویـش انجـام داده اسـت، طبـق گـواهی فرمـان پیوسـت، در سـال ۳۳۰ (۱۹-۱۸ میلادی) شایسـتهٔ احتـرام شـناخته می‌شـود.»

«بـه سـبب نیـاز بـه شـخصی درسـتکار و متدیـن، او بـار دیگـر در سـال ۳۳۱ (۲۰-۱۹ میلادی) بـرای تصـدی همـان مقـام در سـال بعـد نامـزد و انتخـاب می‌شـود. پـس از بررسی‌هـای طـولانی دربـارهٔ اعتبـار نامـزدی او، اوپیتسـوس، پسـر آنتیوخـوس، کـه همـراه بـا آریسـتومین[1]، پسـر فیلیـپ، بـه عضویـت مجلـس انتخـاب شـده اسـت، در شـورای شـهر اعلام می‌کنـد کـه مطابـق قانـون، هیچ‌کـس نمی‌توانـد پیـش از گذشـت سـه سـال بـار دیگـر مقـام ریاسـت هیئـت دادرسـان را بـر عهـده گیـرد. بااین‌حـال، مـردم شـهر کـه از اندیشـه‌های نیـک و حسـن ادارهٔ امـور در دورهٔ ریاسـت او آگاه بودنـد، بـار دیگـر بـر نامـزدی وی بـرای همـان مقـام تصمیـم می‌گیرنـد و در نتیجـه او بـرای سـال ۳۳۲ (۲۱-۲۰ میلادی) دوبـاره انتخـاب می‌شـود.»

«بـا توجـه بـه حقایـق یادشـده، اتهـام واردشـده بـر هسـتیائوس بی‌اسـاس اسـت. انتخـاب او، بنا بـر رأی مـا، معتبـر و قانـونی اسـت. هیـچ اقـدام قانـونی نبایـد بـه سـبب پذیـرش ایـن مقـام پیـش از گذشـت سـه سـال یـا بـر اسـاس مقـررات دیگـری کـه بـه ایـن مـورد مربـوط اسـت، علیـه او صـورت گیـرد. همـهٔ مـوارد بازداشـت و بازجـویی دربـارهٔ او لغـو می‌شـود و به‌ویـژه اقدامـاتی کـه اکنـون علیـه وی انجـام شـده، فاقـد اعتبـار اعلام می‌گـردد.» (بـه تاریـخ ۱۷ آدنئـوس، سـال ۲۶۸ (۲۱ دسـامبر)) (شـهمردان، ۱۳۵۲: ۱۸)

نامـهٔ اردوان بـه شـوش سـندی مهـم بـرای شـناخت وضعیـت شـهرها در قلمرو اشـکانی اسـت. ایـن نامـه نمونـه‌ای از مکاتبـهٔ رسـمی پادشـاه بـا یـک پولیـس اسـت و ماننـد نمونه‌هـای مشـابه بـا خطـاب و درود بـه مسـئولان شـهر آغـاز می‌شـود. در ایـن مـورد، آرخونت‌هـا و دو تـن دیگـر کـه در نامـه از مقیمـان شـوش معـرفی شـده‌اند مخاطـب قـرار گرفته‌انـد؛ یـکی از ایـن دو، فـرآت یـا فرهـاد، نـامی پـارتی دارد. نامـه در واقـع پاسـخی بـه پرسـشی دربـارهٔ نقـض مقـررات شـهر اسـت. هسـتیائوس، از شـهروندان شـوش و بنـا بـر متـن نامـه از افـراد ثروتمنـد و نیکـوکار شـهر، پـس از دو سـال بـرای بـار دوم بـه مقـام خزانـه‌دار انتخـاب شـده بـود؛ درحالی‌کـه مقـررات شـهر انتخـاب مجـدد یـک فـرد بـه همـان منصـب را پیـش از گذشـت سـه سـال منـع می‌کـرد. مخالفـان ایـن انتخـاب از پادشـاه خواسـتند قانـونی بـودن آن را بـررسی کنـد. اردوان انتخـاب هسـتیائوس

1. Aristomenes

را معتبر دانست، بر شایستگی او تأکید کرد و هرگونه پیگیری یا تحقیق دوباره را ممنوع ساخت. این سند افزون بر نشان‌دادن نفوذ نیروهای نزدیک به شاه در شهر، نوع رابطهٔ پادشاه اشکانی با پولیس‌ها را نیز آشکار می‌کند: شهرها می‌توانستند مستقیماً با شاه مکاتبه کنند و پاسخ او را دریافت کنند. اختلافات نیز، دست‌کم در این مورد، نه صرفاً با فرمان ساتراپ، بلکه از طریق مکاتبهٔ سیاسی میان شاه و شهر حل‌وفصل می‌شد؛ شیوه‌ای که با سنت‌های اداری دولت‌های هلنیستی شباهت داشت (دیاکونوف، ۱۳۸۲: ۲۲۳-۲۲۲).

در این نامه، آنتیوخوس و فرهاد، در کنار مسئولان و اهالی شوش، مخاطب قرار گرفته‌اند و متن با درود به آنان آغاز می‌شود. اردوان در نامه، انتخاب مجدد هستیائوس را تأیید و در این مورد استثنا بر قانون فاصلهٔ سه‌ساله میان دو دورهٔ تصدی یک منصب را مجاز اعلام می‌کند. آنتیوخوس و فرهاد، که در شوش اقامت داشتند، نخستین کسانی بودند که شاه خطاب قرار داد. به نظر می‌رسد آنان لزوماً از مسئولان معمول شهری نبودند، اما از مقام و اعتبار زیادی برخوردار بودند. احتمال داده شده است که آنتیوخوس «اپیستات»، یعنی نمایندهٔ قدرت شاه و ناظر بر امور شهری و اداری شوش، و فرهاد «استراتگوس»، یعنی فرماندهٔ پادگان یا ساتراپ شوش، بوده باشد. این فرهاد در دورهٔ اردوان سوم از موقعیت بالایی برخوردار بود و در سال ۳۶ میلادی، هنگامی که تیرداد سوم مدعی تخت شاهی شد، از اردوان حمایت کرد (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۱۴۱)

هستیائوس از نظر پادشاه نه‌تنها شهروندی ممتاز در شوش، بلکه یکی از دوستان ارجمند و وابستگان گارد شاهی بود. او در سال ۳۲۹ سلوکی (۱۸-۱۷ میلادی) به ریاست هیئت دادرسان و مقام خزانه‌داری انتخاب شد. در دورهٔ تصدی امور اداری، دو بار به مأموریت سفارت رفت و با تحمل دشواری سفر و هزینه‌های شخصی، مأموریت خود را به‌خوبی انجام داد. پس از بازگشت به شوش نیز بنا بر فرمانی در سال ۳۳۱ سلوکی (۲۰-۱۹ میلادی)، مورد تجلیل و احترام مسئولان و مردم شهر قرار گرفت (شهمردان، ۱۳۵۲: ۱۹)

در متن سنگ‌نوشته، پس از شخصیت‌های نام‌برده، مسئولان و سپس اهالی شهر خطاب قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد منظور از مسئولان، آرخونت‌ها،[1] یعنی نمایندگانی بوده‌اند که اختیار ادارهٔ امور شهر را داشتند. در شوش، فرماندهٔ پادگان یا ساتراپ با عنوان

1. Archontes

«استراتگوس» و نیز خزانه‌دار ویژه با عنوان «تامیاس»[1] در شمار مسئولان قرار می‌گرفتند. واژهٔ تامیئیون[2] نیز به معنای خزانه یا خزانهٔ دولتی به کار می‌رفت. در متن، هستیائوس به‌عنوان مسئول خزانه‌داری معرفی شده است (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۱۴۳)

در شوش، بررسی صلاحیت نامزدهای مناصب شهری امری معمول بود و چنانچه عملکرد فرد منتخب مغایر با مقررات یا عدالت تشخیص داده می‌شد، امکان بازخواست قانونی او وجود داشت. بر پایهٔ متن سنگ‌نوشته می‌توان گفت که اصل انتخاب مجدد برای یک منصب، با رعایت فاصلهٔ مقرر، در چارچوب مقررات شهری پذیرفته شده بود (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۱۴۴)

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که چرا منصب خزانه‌داری در مورد هستیائوس از محدودیت معمول انتخاب مجدد مستثنا شد. موقعیت اجتماعی و اقتصادی او می‌تواند بخشی از پاسخ را روشن کند. بر اساس متن نامه، هستیائوس شهروندی ثروتمند و سخاوتمند بود و در انجام وظایف عمومی بخشی از هزینه‌ها را شخصاً می‌پرداخت. منصب خزانه‌داری نیز می‌توانست تعهدات مالی قابل توجهٔ برای دارندهٔ آن ایجاد کند. در بسیاری از شهرهای باستانی، شهروندان ثروتمند در حفظ ثبات داخلی نقش مهمی داشتند و حمایت از این طبقه بخشی از سیاست حکومت‌ها بود. ازاین‌رو می‌توان احتمال داد که اردوان نیز در ارتباط با سلوکیه ائولایوس (شوش) سیاست مشابهی در پیش گرفته باشد. با این نامه، پادشاه اشکانی به انتخاب هستیائوس اعتبار قانونی بخشید؛ هم به سبب جایگاه و اعتبار شخصی او و هم برای رفع مانعی که می‌توانست از انتخاب فردی شایسته به این منصب جلوگیری کند .(Engers, ۱۹۸۳: ۱۴۱)

نامه حاوی اطلاعاتی مهم دربارهٔ نقش مردم یا مجمع عمومی شهر است. با وجود مخالفت‌هایی که در شورای بزرگان با انتخاب مجدد هستیائوس مطرح شده بود، مجمع مردمی یا مجمع شهر بر تصدی دوبارهٔ مقام خزانه‌داری از سوی او اصرار ورزید. از این نکته می‌توان دریافت که در شهرهای هلنی‌شدهٔ ایران در آغاز عصر میلادی، شهروندان صرفاً به تأیید نامزدهای پیشنهادی شورای بزرگان بسنده نمی‌کردند، بلکه همچنان از برخی حقوق و اختیارات مجمع عمومی بهره‌مند بودند (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۱۴۳)

1. Tamias
2. Tamieion

محتـوای نامـه همچنیـن امـکان شـناخت بخـشی از نظـام سیـاسی و نهادهـای اداری و اجـرایی شـهرهای یونانی‌نشیـن قلمـرو اشـکانی، از جملـه شـوش را فراهـم می‌کنـد. در دورۀ اشـکانی، بسیـاری از شـهرهای یونـانی و جوامـع نظـامی کـه پیش‌تـر آزاد بودنـد، از نـوعی خودمختـاری محـلی و قوانیـن ویـژه برخـوردار بودنـد. داوران و اعضـای شـورای شـهر، همان‌گونـه کـه در شـوش و سـلوکیه معمـول بـود، براسـاس سـازوکارهای شـهری انتخـاب می‌شـدند. در شـوش، شـورای شـهر نامزدهـای مقـام داوری را پیشـنهاد می‌کـرد و صلاحیـت آنـان بـررسی می‌شـد؛ سـپس مـردم می‌توانسـتند از میـان نامزدهـا انتخـاب کننـد. قـدرت و جایـگاه ایـن شـهرها تـا اوایـل سـدۀ نخسـت میلادی تـا حـد زیادی بـاقی مانـد و پـس از آن به‌تدریـج رو بـه کاهـش گذاشـت (کالـج، ۱۳۸۵: ۵۳)

از دیـدگاه اردوان، مداخلـه در مسـئلۀ مورداخـتلاف شـوش اهمیـت سیـاسی داشـت. مراجعـۀ شـهر بـه اعتبـار شـاه بـرای حـل اخـتلاف نشـان می‌دهـد کـه پادشـاه می‌توانسـت در تفسیـر یـا اجـرای مقـررات محـلی نقـش تعیین‌کننـده داشـته باشـد. ارسـال پیـام نیـز ابـزاری بـرای نمایـش اقتـدار سـلطنتی بـود. بـرخی پژوهشـگران ایـن اقـدام را در چارچـوب سیاسـت کلی اردوان بـرای محدودکـردن خودمختـاری شـهرهای یونـانی تفسیـر کرده‌انـد و آن را بـا سیاسـت او در قبـال سـلوکیه مقایسـه می‌کننـد. در ایـن دیـدگاه، حمایـت اردوان از انتخـاب مجـدد هسـتیائوس بـا تقویـت طبقـات بـالای شـهری و اشـراف محـلی نیـز ارتبـاط داشـته اسـت. در عیـن حـال، اکلسیا[1] یعـنی مجمـع عمـومی شـهر، همچنـان می‌توانسـت در فرایندهـای سیاسی نقـش ایفـا کنـد. مداخلـۀ شـاه در تأییـد اسـتثنا بـر قانـون محـلی را می‌تـوان نشـانه‌ای از افزایـش نفـوذ حکومـت مرکـزی بـر خودمختـاری شـهرها دانسـت (پیگولوسـکایا، ۱۳۷۲: ۱۴۴– ۱۴۵)

ایـن نامـه نشـان می‌دهـد کـه شـهرها در بـرخی مسـائل مسـتقیماً بـا شـخص پادشـاه ارتبـاط داشـتند و در صـورت بـروز اخـتلاف مرتبـط بـا منافـع شـهری می‌توانسـتند نماینـدگان یـا سـفیرانی نـزد او بفرسـتند. پادشـاه نیـز لزومـاً از طریـق سـاتراپ‌ها فرمـان صـادر نمی‌کـرد، بلکـه می‌توانسـت نامـه‌ای خطـاب بـه مجمـع عمـومی، شـورای شـهر یـا مسـئولان محـلی ارسـال کنـد و نظـر خـود را دربـارۀ مسـئلۀ مـورد اخـتلاف اعلام کنـد. چنیـن نامه‌هـایی از اعتبـار فرمـان برخـوردار بودنـد، هرچنـد شیـوۀ تنظیـم آن‌هـا بـا سـاختارهای نهـادی شـهرهای هلنیسـتی سـازگار می‌شـد. در مـواردی نیـز ایـن مکاتبـات به‌عنـوان سـندی عمـومی بـر سـنگ حـک و در میـدان مرکـزی شـهر، آگـورا، نصـب می‌شـدند (دیاکونـوف، ۱۳۸۲: ۱۸۹)

1. Ekklesia

نامۀ اردوان، مربوط به سال ۲۱ میلادی، خطاب به رؤسای شهر، آنتیوخوس و فرهاد، انتخابی در ساختار اداری شهر به سبک یونانی را تأیید می‌کند. این سند نشان می‌دهد که سلوکیه ائولایوس (شوش)، با وجود حفظ بخشی از نهادهای هلنیستی، در حوزۀ اقتدار و صلاحیت قضایی شاه اشکانی قرار داشت (ویسهوفر، ۱۳۸۸: ۱۶۰)

نامۀ اردوان به شوش به زبان یونانی نوشته شده است، زیرا مخاطب آن شهری با جمعیت قابل‌توجه یونانی ــ مقدونی و برخوردار از برخی حقوق و نهادهای پولیس بود. شورای بزرگان و اشراف در ادارۀ امور شهر نقش داشتند و برخی نام‌های ثبت‌شده در سنگ‌نوشته نیز یونانی‌اند. بااین‌حال، ترکیب جمعیتی و اداری شهر احتمالاً آمیزه‌ای از عناصر یونانی، مقدونی و ایرانی بوده است (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۱۴۲). بااین‌حال، یونانی‌بودن زبان این نامه به معنای یونانی‌بودن همۀ مکاتبات رسمی اشکانی نیست. براساس برخی منابع، نامه‌ها و فرمان‌هایی که به نواحی شرقی قلمرو ارسال می‌شدند، به زبان‌های ایرانی رایج در دستگاه اداری، از جمله پهلوی اشکانی، نوشته می‌شدند (دبواز، ۱۳۴۲: ن). زبان یونانی این سنگ‌نوشته برخی پژوهشگران را به این نتیجه رسانده است که یونانی در بخشی از دستگاه اداری اشکانی کاربرد رسمی داشته است. رواج زبان یونانی در قلمرو اشکانی را نمی‌توان انکار کرد، اما در کنار آن آثار متعددی به خط و زبان آرامی و نیز زبان پهلوی اشکانی، همراه با هزوارش‌های آرامی، برجای مانده است. ازاین‌رو، شواهد از یک وضعیت چندزبانه حکایت دارند (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۱۴۱).

زبان اشکانی از شاخۀ شمال‌غربی زبان‌های ایرانی میانه بود و معمولاً «پهلوی اشکانی» نامیده می‌شود. بااین‌حال، اشکانیان یونانی را که در دستگاه دیوانی سلوکیان جایگاه مهمی داشت، در بخش‌هایی از قلمرو و در برخی کارکردهای رسمی حفظ کردند. یونانی بر سکه‌ها، در شماری از کتیبه‌ها و در مکاتبه با شهرهایی مانند شوش به کار می‌رفت و در اسناد نیمه‌رسمی و خصوصی نیز کاربرد داشت (کالج، ۱۳۸۵: ۱۶۱). این مدارک نشان می‌دهند که یونانیان به‌عنوان گروهی اجتماعی، فرهنگی و قومی در شوش حضور داشتند و نهادها و سازمان اداری مرتبط با آنان نیز واقعیت تاریخی داشته است. با مقایسۀ شوش با دیگر شهرهای یونانی می‌توان احتمال داد که شهر دارای ساخلو و پادگان بوده و بسیاری از نهادهای موردانتظار در یک پولیس هلنیستی را در خود جای داده است (پرو و دلفوس، ۲۲۵)

کتیبه‌های یونانی شوش از تداوم عناصر هلنیستی در این شهر برای مدتی طولانی حکایت دارند. شوش بخشی از شبکهٔ سکونتگاه‌های هلنیستی بود و حتی پس از جایگزینی قدرت سلوکی با اشکانی، نفوذ فرهنگی یونانی در آن باقی ماند. بنا بر برخی شواهد، هنگامی که الیمایی‌ها در میانهٔ سدهٔ نخست میلادی بر شهر دست یافتند، زبان و سنت‌های حقوقی یونانی همچنان حضور داشتند. کتیبه‌ها و سکه‌ها نیز نشان می‌دهند که ایزدانی چون آرتمیس و آپولون و در مواردی آتنا، هرمس، زئوس و هراکلس در شهر شناخته می‌شدند. نام نانایا، ایزدبانوی شوش که با آناهیتای ایرانی مقایسه شده است، نیز در چند کتیبه دیده می‌شود (فرای، ۱۳۸۶: ۲۲۴– ۲۲۵).

با وجود آنکه شوش از دورهٔ سلوکی به شهری با عناصر پررنگ یونانی تبدیل شده بود، فرهنگ هلنی نتوانست همهٔ لایه‌های جامعه و فرهنگ بومی را به‌طور کامل دگرگون کند. در شوش کتیبه‌هایی یونانی با قالب‌های شعری ویژه، از جمله به افتخار آپولون و نیز زاماسپ، مأمور ایرانی، یافت شده است. برخی از این متون رنگ‌وبوی شعر یونانی دارند، اما در واژگان و تصورات آن‌ها عناصر شرقی نیز دیده می‌شود. نامهٔ اردوان سوم به شوش، به تاریخ دسامبر ۲۱ میلادی، از نظر زبان و قالب با سنت هلنیستی سازگار است؛ بااین‌حال، در خطاب به مردم و مأموران شهر از نام بومی «شوش» نیز استفاده می‌شود، در کنار نام یونانی شهر، «سلوکیه کنار رود ائولایوس» (کالج، ۱۳۸۵: ۸۴– ۸۵)

نتیجه‌گیری

با توجه به پیشینهٔ تاریخی شوش و موقعیت جغرافیایی آن در دشت خوزستان و مجاورت با بین‌النهرین، این شهر از زمان ورود اسکندر به ایران مورد توجه قرار گرفت و پس از آن شمار زیادی از مهاجران یونانی و مقدونی در شوش و آبادی‌های پیرامون آن ساکن شدند. سلوکیان در چارچوب سیاست شهرسازی و بازسازمان‌دهی مراکز کهن، شوش را توسعه دادند و با توجه به حضور چشمگیر جمعیت یونانی، نوعی استقلال داخلی برای آن در نظر گرفتند. شهر با نهادهایی مشابه شهرهای خودگردان یونانی اداره می‌شد و ساختارهای اداری و سیاسی آن ویژگی‌های پولیسی داشت. موقعیت مناسب برای کشاورزی، قرارگرفتن در مسیر راه‌های تجاری و نزدیکی به بنادر خلیج فارس نیز به شکوفایی اقتصادی شوش در دوره‌های سلوکی و اشکانی کمک کرد. پس از قدرت‌گیری اشکانیان، شوش تا مدتی

اعتبـار و بخـشی از خودمختـاری خـود را حفـظ کـرد و رونـق آن ادامـه یافـت. بـا تثبیـت قـدرت اشـکانی، سیاسـت حکومـت در برابـر ایـن شـهر یونانی‌نشیـن به‌تدریـج تغییـر کـرد و مداخلـهٔ مسـتقیم شـاه در امـور داخـلی شـهر افزایـش یافـت. نامـهٔ اردوان سـوم یـکی از روشـن‌ترین اسـناد ایـن فراینـد اسـت. از یـک سـو، زبـان یونـانی نامـه و حفـظ بـرخی سـازوکارهای شـهری نشـان می‌دهـد کـه اشـکانیان در تعامـل بـا جامعـهٔ یونـانی شـوش جانـب ملاحظـه را رعایـت می‌کردنـد و همچنـان از نخبـگان و نهادهـای محـلی در ادارهٔ شـهر بهـره می‌گرفتنـد؛ از سـوی دیگـر، تأییـد مسـتقیم انتخـاب هسـتیائوس و امـکان تعلیـق یـا تفسیـر مقـررات محـلی، از افزایـش اقتـدار شـاه بـر سـاختار خودگـردان شـهر حکایـت دارد. بنابرایـن، ایـن نامـه را می‌تـوان سـندی از هم‌زیسـتی و در عیـن حـال دگرگـونی تدریـجی رابطـهٔ میـان حکومـت اشـکانی و نهادهـای هلنیسـتی شـوش دانسـت

منابع

آمیه، پی‌یر (۱۳۸۹). شوش هزارساله. ترجمهٔ علی موسوی. تهران: فرزان روز.

برانـد، جـورج فیلیـپ (۱۳۸۸). امپراتـوری جهـانی ایـران. ترجمـهٔ انگلیـسی بـه آلمـانی: یوآخیـم پتـرس؛ ترجمـهٔ آلمـانی بـه فـارسی: وحیـد عسـگرانی. تهـران: امیرکبیـر

بوشـارلا، رمی (۱۳۷۶). «شـوش: بـازار کشـاورزی یـا منزلـگاه بـازرگانی عمـده؛ شـوش و شوشـان در دورهٔ امپراتوری‌هـای بـزرگ». ترجمـهٔ هایـده اقبـال. مجلـهٔ باستان‌شـناسی و تاریـخ، ش. ۳.

پیگولوسـکایا، (۱۳۷۲). شـهرهای ایـران در روزگار پارتیـان و ساسـانیان. ترجمـهٔ عنایـت‌الله رضـا. تهـران: علـمی و فرهنـگی

تقوی‌نـژاد دیلـمی، محمدرضـا (۱۳۶۶). معمـاری، شهرسـازی و شـهرنشینی ایـران در گـذر زمـان. تهـران: یسـاولی

دبواز، نیلسون (۱۳۴۲). تاریخ سیاسی پارت. ترجمهٔ علی‌اصغر حکمت. تهران: ابن‌سینا.

دیاکونوف، میخائیل (۱۳۸۲). تاریخ ایران باستان. ترجمهٔ روحی ارباب. تهران: علمی و فرهنگی.

شـهمردان، رشیـد (۱۳۵۲). «نامـهٔ اردوان سـوم بـه شـهر شـوش»، اقتبـاس از نوشـتهٔ دکتـر اونـوالا. مجلـهٔ هوخـت، دورهٔ ۲۴، ش. ۲.

فرای، ریچارد (۱۳۸۶). تاریخ باستانی ایران. ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.

کالج، مالکوم (۱۳۸۵). اشکانیان. ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا. تهران: هیرمند.

ویسـهوفر، یـوزف (۱۳۸۸). ایـران باسـتان از ۵۵۰ پیـش از میلاد تـا ۶۵۰ پـس از میلاد. ترجمـهٔ مرتـضی

ثاقب‌فـر. تهـران: ققنـوس

هول، فرانک (۱۳۸۱). باستان‌شناسی غرب ایران. ترجمهٔ زهرا باستی. تهران: سمت.

Aperghis, G. G. (۲۰۰۴). The Seleukid Royal Economy: The Finances and Financial Administration of the Seleukid Empire. Cambridge: Cambridge University Press.

Boardman، John, Jasper Griffin & Oswyn Murray (۱۹۹۱). The Oxford History of Greece and the Hellenistic World. New York.

Strabo (۱۹۲۹). The Geography. Trans. Horace Leonard Jones. ۸ vols. London.

Engers، M. (۱۹۳۸). «The Letter from the Parthian King Artabanus III to the Town of Susa.» Mnemosyne, Third Series, Vol. ۷ ،Fasc. ۲.

Wenke، Robert J. (۱۹۸۱). «Elymeans, Parthians، and the Evolution of Empires in Southwestern Iran.» Journal of the American Oriental Society, Vol. ۱۰۱, No. ۳ (Jul.–Sep.).